

# مختصری درباره مالکیت صنعتی ایران

## علی اصغر کبوته

کورزن در سال ۱۲۶۹ چنین نوشته است: کارخانه به معنای مصطلح آن که در اروپا هست در ایران وجود ندارد. به کار گرفتن نیروی بخار و حتی استفاده از نیروی آب برای افزایش بازده و صرفه جویی در نیروی کار تقریباً ناشناخته است. در طی دهه بعد حداقل پنج بار برای تاسیس کارخانه‌های جدید کوشش شد. اما هر بار با شکست مواجه شد. با این حال در تمام شهرها صنایع خانگی وجود دارد و حتی بعضی از شهرها دارای تشکیلات اصناف یا انجمنهای صنفی پیشه‌وران بوده‌اند. علاوه بر این، هر شهر به تولید محصول

بخصوصی شهرت داشته و انواع تولیدات از قالی ایرانی گرفته تا کاشی معمولی را شامل می‌شده است. فرش برای فروش در داخل کشور و همچنین برای صادرات بافته می‌شد. و صادرات آن به شش میلیون قران در سال بالغ می‌گردید و تولید آن گسترش می‌یافته است. منسوجات از قبیل شال در کرمان و مشهد، قلمکار در اصفهان و پارچه ابریشمی در مناطق مرکزی و شمال غربی تولید و به خارج نیز صادر می‌شد. همچنین محصولات صنایع دستی از جمله انواع ملیله دوزیهای نفیس، مینا و خاتم کاری و مقدار کمی از گلاب تولید شده نیز به خارج صادر می‌شده است. نقش حکومت در

صنعت فقط به اعطای امتیاز به خارجیان منحصر بوده و صنایع دولتی وجود نداشته است. شرایط کار در صنایع دستی عموماً ناگوار بوده است.<sup>۱</sup>

از سال ۱۲۸۰ برآوردهایی از چگونگی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی به عمل آمده است که در جدول شماره ۱ ارائه می‌شود. این برآورد مبتنی بر ترکیبی از روشهای تخمین اجزای چهارگانه سرمایه ثابت ناخالص ملی بوده که عبارتند از: واردات کالاهای سرمایه‌ای تاسیسات و هزینه ماشین‌آلات و ابزارهای تولید شده در داخل و ساختمانهای مسکونی و سایر فعالیتهای ساختمانی.

جدول شماره ۱ - تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی ۱۲۷۹ - ۱۳۴۴

(میلیارد ریال)

سال	قیمتهای جاری بازار	قیمتهای ثابت بازار ۱۳۴۴*	هزینه‌های جاری عوامل
۸۹-۱۲۷۹	۰/۲	۵/۲	۰/۲
۹۹-۱۲۹۰	۰/۴	۶/۲	۰/۴
۱۳۰۰	۰/۴	۷/۵	۰/۴
۱۳۰۵	۰/۵	۸/۲	۰/۵
۱۳۱۰	۰/۵	۸/۲	۰/۵
۱۳۱۵	۱/۲	۱۵	۱/۲
۱۳۲۰	۲/۱	۱۰	۱/۹
۱۳۲۵	۱۱/۱	۱۹/۵	۱۰/۱
۱۳۳۰	۱۳/۶	۲۲/۷	۱۲/۲
۱۳۳۵	۲۰/۵	۳۲/۸	۲۶/۸
۱۳۴۰	۶۶/۲	۷۱/۲	۶۰/۴
۱۳۴۴	۱۰۰/۹	۱۰۰/۹	۹۱/۷

\* ارقام مندرج در ستون دوم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی به قیمت ثابت را نشان نمی‌دهد بلکه صرفاً به منظور خنثی کردن آثار افزایش قیمت‌های داخلی تعدیل و کاهش داده شده‌اند.

همین واحدهای تولیدی به علت هزینه سنگین مواد اولیه، هزینه بالای حمل و نقل ماشین‌آلات در داخل کشور، کارا نبودن نیروی کار، رقابت خارجی و یا به علل غیر اقتصادی طی چند سال ورشکست شدند. در هنگام جنگ جهانی اول و به لحاظ شرایط اقتصادی خاص آن زمان تا سال ۱۳۰۷ در تهران بیش از ۵۰۰۰ کارگاه صنعتی تاسیس شده بود که در حدود ۱۵۰۰۰ کارگر را در استخدام داشتند و انواع کالاها را تولید می‌کردند.

در پایان ربع اول قرن بیستم هنوز سهم صنایع در تولید ناخالص ملی ناچیز ولی با این همه تجربه‌ای آغاز شده بود.

روند صنعتی شدن پس از سال ۱۳۰۸ پیشرفتی مداوم داشته است، در بین سالهای ۱۳۱۳ - ۱۷ گسترش صنایع کارخانه‌ای بزرگتر شتاب گرفت. تعداد کارگران استخدام شده در این چهار سال ۲۵۰ درصد افزایش یافت. قند، منسوجات نخی، کبریت و

ثابت ناخالص داخلی از سال ۱۳۳۹ تا سال ۱۳۴۲ نتیجه طرحی بود که صندوق بین‌المللی پول به منظور حمایت از ارزش داخلی و خارجی پول ایران به این کشور تحمیل کرد.

همان طور که گفته شد در آستانه قرن بیستم صنایع کارخانه‌ای بزرگ به شکل کارگاههایی با تعداد ۱۰ کارگر یا بیشتر در ایران وجود نداشت. در سالهای آخر قرن نوزدهم تلاشهای گوناگونی برای ایجاد کارخانه‌های بزرگ جدید صورت گرفت. در سال ۱۲۶۸ یک سرمایه‌دار روسی برای تاسیس یک کارخانه کبریت سازی در نزدیکی تهران مبلغ یک میلیون قران سرمایه گذاری کرد. در سال ۱۲۷۰ و در تهران یک شرکت بلژیکی کارخانه بلورسازی تاسیس کرد، در سال ۱۲۷۳ یک ایرانی یک کارخانه نخ ریزی در تهران تاسیس کرد و یک شرکت بلژیکی دیگر در سال ۱۲۷۴ کارخانه قندی در کهریزک بنیاد نهاد.

با تعدیل تقریبی آثار تغییرات سریع ارزش پول رایج از نظر آهنگ نرخ رشد، این مجموعه به پنج دهه متمایز تقسیم می‌شود. ۱۳۰۵ - ۹، ۱۳۱۰ - ۱۷، ۱۳۲۴ - ۲۸، ۱۳۳۲ - ۳۸، ۱۳۴۲ - ۴۸، روند کلی رشد تشکیل سرمایه در هر یک از این دوره‌ها مشابه است.

چهار نقطه حسی که این پنج دوره را از یکدیگر جدا می‌کند با شواهد مستند تاریخی نیز قابل توضیح است. این شواهد حاکی از رخدادهایی است که آثار زیانباری بر تشکیل سرمایه گذاشته است.

در سال ۱۳۱۰ اقداماتی برای ایجاد تمرکز اقتصادی براساس کنترل دولت مرکزی به صورت انحصار تجارت خارجی و هدایت تجارت داخلی، حمل و نقل و صنایع صورت گرفت. بویژه تصویب قانون انحصار خرید و فروش اسعار خارجی، تجارت خارجی را عملاً متوقف ساخت. این قانون چند ماه بعد لغو شد اما سایر عناصر انحصارات دولتی همچنان به قوت خود باقی ماند که همراه پاسخ‌های فعالیتهای صنعتی در بخش خصوصی احتمالاً موجب شد که نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در دهه ۱۳۱۰ در مقایسه با چهار دوره دیگر کمتر باشد.

جنگ جهانی دوم علت اساسی دومین حسیض ممتد است، اگر چه کاهش تشکیل سرمایه‌ای که بعد از سال ۱۳۱۷ آغاز شد نشان می‌دهد که اقدام ضد تورمی دولت به صورت کاهش تشکیل سرمایه، حتی پیش از آنکه جنگ شروع شود موثر افتاده بود.

تقریباً تمامی سیر نزولی فعالیتهای اقتصادی سالهای ۱۳۲۹ - ۳۲ را می‌توان ناشی از ملی شدن صنعت نفت دانست که در نتیجه آن جریان عواید نفت به ایران قطع شد و به بروز بحران مالی انجامید. و سرانجام کاهش میزان تشکیل سرمایه

سیمان مهمترین صنایع جدید بودند. بسیاری از کارخانه‌های جدیدی که در دهه ۱۳۱۰ تأسیس شد به دولت تعلق داشت که تا اواخر این دهه در حدود بیست درصد از کل بودجه خود را به صنایع اختصاص داده بود.

در صنعت نخ رسی هم کارخانه‌های خصوصی وجود داشت که معمولاً ۲۰ ساعت در روز کار می‌کردند و به طور متوسط ۶۰ کیلو برای هر دوک تولید می‌کردند و هم کارخانه بزرگتر دولتی که ۸ ساعت در روز مشغول به کار بودند و به طور متوسط ۲۰ کیلو برای هر دوک تولید می‌کردند. با اینکه در آن سالها فشار برای صنعتی شدن از سوی دولت وارد می‌آمد و با استفاده از تغییرات سریع در تشکیلات اداری و مجموعه قانونهایی که برای حمایت از صنایع داخلی وضع شده بود، در سال ۱۳۲۵ فقط ۶۴ کارخانه از کل کارخانه‌های ایران دولتی بودند.

از کل ۴۹۰۰۰ کارگری که در آن سال در صنایع بزرگ شاغل بودند تقریباً ۵۰ درصد در کارخانه‌های دولتی کار می‌کردند. کارخانه‌های قند، سیمان و دخانیات کاملاً زیر نظارت دولت کار می‌کردند. اگر چه تنها قند و دخانیات به طور مشخص در انحصار دولت بود، در نساجی، چای خشک کنی و آرد و برنج‌کوبی کارخانه‌های خصوصی و دولتی هر دو فعالیت داشتند. اما تقریباً همه صنایع کارخانه‌های دیگر به بخش خصوصی تعلق داشت. با استثنای پنج کارخانه، به نظر می‌رسد کلیه کارخانه‌های دولتی زیانهای نسبتاً سنگینی را متحمل می‌شدند.

در دوره ۱۳۲۶ - ۳۴ رونق سازندگی بعد از جنگ، با ارائه اولین برنامه عمرانی و ملی شدن صنعت نفت، اقداماتی برای تجدید سازمان یا تکمیل کارخانه‌های دولتی صورت گرفت و در عین حال

امتیازات حمایتی مختلفی به صاحبان صنایع خصوصی داده شد.

تأثیر ملی کردن نفت و کاهش درآمد آن بر توسعه صنایع کارخانه‌ای این بود که اعتبار صنایع و معادن در برنامه اول از ۵/۳ میلیارد ریال به ۱/۶ میلیارد ریال کاهش یافت. در این میان تمامی ۱/۴ میلیارد ریال خرج شده برای صنایع به مصرف تکمیل دو کارخانه قند، کارخانه چیت سازی تهران، دو کارخانه جدید نساجی و مشارکت دولت در شرکت سیمان فارس رسید. اما آنچه برای صنایع خصوصی اهمیت بیشتری داشت، کمبود ارز خارجی بود که در اثر سیاست ارزی دولت قیمت داخلی کالاهای وارداتی را بالا برد و بتدریج در میان صاحبان صنایع نوپا تمایلی گسترش طلبانه به وجود آورد.

این تمایل با اعطای امتیازهای تعرفه‌ای و نرخ‌گذاریهای مساعد ارزی شدت بیشتری یافت. در بین سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۱ نزدیک به ۱۰۰۰۰ کارخانه با اندازه‌های متفاوت تأسیس شد و این رقم در چهار سال بعد تقریباً به دو برابر افزایش یافت. بهبود تدریجی در وضعیت ارزی، قیمت کالاهای وارداتی را پایین آورد و بسیاری از کارخانه‌ها در سال ۱۳۳۴ با انبارهایی از کالاهای فروش نرفته روبه رو بودند.

بین سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۸ آمارهای مربوط به صنایع کارخانه‌ای به میزان چشمگیری افزایش یافت. دو سرشماری جمعیت در سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ جزئیات اشتغال را به دست می‌داد. یک سرشماری صنعتی در سال ۱۳۴۲ پایه‌ای برای تعدادی از سریهای زمانی پدید آورد. وزارت اقتصاد و بانک مرکزی ایران نیز اطلاعات دیگری در این باره انتشار دادند.

روشن است که سال ۱۳۳۵ و چهار سال بعد از آن دوره پیشرفت قابل ملاحظه‌ای برای صنایع کارخانه‌ای بوده است. حجم و

ارزش واردات ماشین‌آلات هم برای صنایع نساجی و هم برای سایر صنایع سرعت رشد کرد.

شاخصهای تولید اکثر کالاهای عمده ایران از جمله قند، منسوجات نخی و پشمی، سیمان، مقوا و روغن نباتی رشد مداومی را نشان می‌دادند. واحدهای صنعتی از ۴۵۰۰۰ در سال ۱۳۳۶ به حدود ۷۰۰۰۰ در سال ۱۳۳۹ رسید. به موازات این پیشرفتها وامهای دراز مدت جدیدی با شرایط آسان نیز به صنایع خصوصی داده شد که در دوره ۱۳۳۵ - ۹ به ۸/۴ میلیارد ریال رسید.

به رغم اقداماتی که برای فروش کارخانه‌های دولتی به بخش خصوصی صورت گرفته بود در سال ۱۳۳۹ نود و هشت کارخانه که نیمی از آنها تعداد به نسبت کمی کارگر در استخدام داشتند به طور کامل دولتی و یا نیمه دولتی بودند. در همان زمان ارزیابی مجددی از سرمایه گذاری‌های مستقیم دولت در صنایع بر حسب هزینه فرصتهای از دست رفته با توجه به آنچه کارا نبودن تاسیسات موجود و فزونی بیرویه هزینه تاسیسات نویناد به شمار می‌آمد صورت پذیرفت.

علاوه بر سرمایه‌گذاری دولت و بخش خصوصی داخلی در زمینه صنایع کارخانه‌ای، سرمایه‌گذاری‌های نسبتاً زیادی به دنبال تصویب قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی نیز از طرف خارجیا در ایران به عمل آمد. جدولهای شماره ۲ و ۳ وضعیت سرمایه‌گذاری خارجیان را بین سالهای ۱۳۳۵ - ۴۵ به تفکیک نوع صنعت و کشورهای وارد کننده نشان می‌دهد.

اضافه می‌نماید که تقریباً همه موسسه‌های جدید در دهه ۱۳۴۰ متعلق به بخش خصوصی بودند و دولت جز در امور

جدول شماره ۲- سرمایه گذاری خصوصی خارجی بر حسب نوع — جدول شماره ۳- سرمایه گذاری خارجی بر حسب کشور ۱۳۴۲ - ۴۶  
فعالیت ۱۳۳۵ - ۴۵

ردیف	کشور	میلیون ریال	درصد
۱	ایالت متحد آمریکا	۱۶۰۹	۵۴
۲	آلمان	۲۳۰	۸
۳	انگلستان	۱۹۶	۷
۴	فرانسه	۱۷۳	۶
۵	هلند	۱۶۸	۶
۶	بلژیک	۱۶۰	۶
۷	سوئیس	۱۳۵	۵
۸	مختلط	۱۲۴	۴
۹	سایر	۱۷۶	۵
	جمع کل	۲۹۷۱	۱۰۰

ردیف	نوع صنعت	میلیون ریال	درصد
۱	تایر و باطری	۷۸۶	۳۲
۲	دارو و مواد شیمیایی	۵۴۸	۲۲
۳	کارخانه های موتاز	۲۸۸	۱۲
۴	مصالح ساختمانی	۴۳۸	۱۸
۵	صنایع فلزی	۱۳۵	۶
۶	سایر	۲۴۵	۱۰
	جمع کل	۲۴۴۹	۱۰۰

دیگر تشویق صادرات و مسئله اشتغال  
ارجحیت کمتری یافت و برنامه های مربوط  
به صنایع سنگین در ابتدا به تاخیر افتاد.<sup>۲</sup>

همان رشته های تولیدی را در بر می گرفت  
که سی سال قبل نیز مورد توجه بود. اگر چه  
این بار دولت به بهانه فقدان کارایی از  
دخالست مستقیم خودداری می ورزید، بار

تامین مالی طرح های صنعتی و اقدامات  
حمایتی و اعطای کمک هزینه، شیوه  
دخالست نکردن را در پیش گرفته بود. باز هم  
جانمایی واردات خط مشی اصلی بود و

جدول شماره ۴- میزان تولید ناخالص داخلی حاصل از بخش صنعت ۱۳۵۳-۱۳۶۶ (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱)

میلیارد ریال

ردیف	سال	مبلغ	سهم صنعت در تولید ناخالص ملی (درصد)	رشد سالانه تولید ناخالص ملی حاصل از بخش صنعت (درصد)	ارزش تولید بخش صنعت (کارگاه های بزرگ صنعتی) (درصد)		تشکیل سرمایه در ماشین آلات و ساختمان
					بخش خصوصی	بخش دولتی	
۱	۱۳۵۳	۷۴۵/۷	۷/۹	-	۱۵۹۶/۵	۶۹۵/۵	۹۲۸/۲
۲	۱۳۵۴	۸۰۶/۸	۸/۷	۸/۲	۱۵۸۴	۱۲۰۲/۹	۱۲۴۹/۱
۳	۱۳۵۵	۱۰۰۴۹/۱	۹/۲	۳۰	۱۹۶۵/۵	۱۴۲۴/۸	۱۹۰۶
۴	۱۳۵۶	۱۱۰۱/۲	۹/۷	۵	۲۱۷۱/۹	۱۴۵۰/۱	۱۷۸۰/۹
۵	۱۳۵۷	۹۸۶/۲	۹/۹	-۱۰/۵	۱۸۹۹/۲	۸۷۲/۱	۱۷۴۹/۹
۶	۱۳۵۸	۸۵۹/۱	۸/۱	-۱۲/۹	۱۵۲۸/۹	۸۹۸/۷	۹۱۷/۱
۷	۱۳۵۹	۹۶۴/۸	۱۰/۱	۱۲/۲	۱۶۲۲	۹۸۷/۷	۸۶۱/۲
۸	۱۳۶۰	۱۰۴۲/۳	۱۱/۲	۸	۱۹۰۲/۵	۸۵۱/۲	۸۷۲
۹	۱۳۶۱	۹۹۶/۷	۹/۵	-۳/۴	۱۷۸۹/۹	۷۸۴/۳	۱۰۵۷/۲
۱۰	۱۳۶۲	۱۱۱۵/۲	۹/۲	۱۱/۹	۲۰۷۷/۲	۱۴۰۶/۸	۱۱۴۴/۳
۱۱	۱۳۶۳	۱۲۵۲/۲	۱۰/۴	۱۲/۲	۲۲۰۰/۵	۱۴۸۴/۴	۱۰۷۷/۸
۱۲	۱۳۶۴	۱۲۲۵/۹	۱۰/۲	-۲/۱	۲۲۲۴/۹	۱۲۶۲/۶	۸۹۰/۷
۱۳	۱۳۶۵	۱۱۴۸	۱۱/۲	-۶/۳	۱۸۸۰/۸	۸۸۵/۲	۷۶۰/۷
۱۴	۱۳۶۶	۱۲۷۵/۶	۱۲/۲	۱۱/۱	۱۸۷۳/۷	۷۹۰/۹	۵۶۹/۷

جدول شماره ۵ - تشکیل سرمایه ناخالص داخلی به قیمت سال پایه ۱۳۵۳

میلیارد ریال

ردیف	سال	تشکیل سرمایه ثابت ماشین آلات		تشکیل سرمایه ثابت ساختمان		تشکیل سرمایه ثابت (جمع)		تشکیل سرمایه کشور	تشکیل سرمایه ثابت (درصد)		تشکیل سرمایه کشور
		بخش دولتی	بخش خصوصی	دولتی	خصوصی	دولتی	خصوصی		دولتی	خصوصی	
۱	۱۳۵۳	۸۱/۸	۱۱۱	۱۰۲	۲۲۴/۷	۲۱۳	۳۰۶/۵	۵۱۹/۵	۴۱	۵۹	۲۹۶/۱
۲	۱۳۵۴	۲۶۴/۶	۱۲۶/۵	۲۱۴/۴	۲۵۹/۱	۲۵۰/۹	۵۲۳/۷	۸۷۴/۶	۴۰/۱	۵۹/۹	۷۳۹/۶
۳	۱۳۵۵	۲۷۸	۱۶۳/۱	۴۹۵/۴	۲۴۴/۷	۶۵۸/۵	۵۲۲/۷	۱۱۸۱/۲	۵۵/۷	۴۴/۳	۱۰۰۲/۲
۴	۱۳۵۶	۱۶۱/۷	۲۵۰/۴	۳۵۷/۱	۲۵۰/۵	۶۶۲/۵	۴۱۲/۲	۱۰۷۴/۷	۶۱/۷	۳۸/۳	۹۰۲/۹
۵	۱۳۵۷	۶۲/۶	۲۱۸/۵	۴۲۹/۲	۲۱۸	۶۴۷/۷	۲۸۰/۶	۹۲۸/۳	۶۹/۸	۲۰/۲	۷۴۵/۵
۶	۱۳۵۸	۴۱/۲	۱۲۴/۸	۱۹۳	۲۱۷	۲۱۷/۱	۲۵۸/۲	۵۷۵/۸	۵۵/۲	۴۴/۸	۲۹۴/۸
۷	۱۳۵۹	۳۳	۹۵	۱۹۵/۲	۲۳۰/۶	۲۹۰/۲	۲۶۳/۶	۵۵۳/۸	۵۲/۳	۴۷/۶	۲۶۹/۹
۸	۱۳۶۰	۲۸/۲	۱۶۶/۲	۱۹۳/۳	۱۷۵/۱	۳۵۹/۵	۲۰۲/۳	۵۶۲/۸	۶۳/۹	۲۶/۱	۳۵۴/۴
۹	۱۳۶۱	۵۴/۱	۱۶۱/۶	۲۱۶/۱	۱۸۶/۷	۳۷۷/۷	۲۴۰/۸	۶۱۸/۵	۶۱/۱	۳۸/۹	۳۸۶/۴
۱۰	۱۳۶۲	۱۹۷/۲	۱۷۶/۹	۲۱۹	۲۶۶/۵	۳۹۵/۹	۴۶۳/۷	۸۵۹/۶	۴۶/۱	۵۳/۹	۵۸۷/۳
۱۱	۱۳۶۳	۱۵۸/۷	۱۸۱/۸	۱۸۸	۲۸۵/۸	۴۶۹/۸	۴۴۴/۵	۸۱۴/۳	۴۵/۶	۵۴/۶	۴۷۹/۵
۱۲	۱۳۶۴	۱۲۴	۱۶۰/۲	۱۴۹/۲	۲۷۲/۸	۳۰۹/۵	۳۹۷/۸	۷۰۷/۲	۴۲/۷	۵۶/۲	۲۶۲/۲
۱۳	۱۳۶۵	۶۳/۴	۹۵/۲	۱۵۲/۲	۲۳۲/۹	۲۳۷/۴	۲۹۶/۳	۵۴۲/۷	۴۵/۵	۵۴/۵	۲۰۹
۱۴	۱۳۶۶	۳۰/۹۱	۴۶/۲۷	۱۳۰/۲۸	۲۳۷/۳۴	۱۷۶/۵۵	۲۶۸/۲۵	۴۴۴/۸	۳۹/۷	۶۰/۳	۱۸۸/۱

روند سرمایه گذاری در ایران

در جدولهای شماره ۴ و ۵ میزان تولید ناخالص داخلی بخش حاصل از صنعت در سالهای ۱۳۵۳-۱۳۶۶ (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱) ارائه شده است.

هدف از ارائه این جدولها نشان دادن میزان رشد و تاثیر بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی است که از حسابهای ملی سال ۱۳۵۳ تا پایان ۱۳۶۶ استخراج شده است.

به طوری که ملاحظه شد بررسی روند تشکیل سرمایه گذاری ثابت در بخشهای عمده تولید ناخالص ملی به دلیل اینکه میزان و نحوه توسعه بخشها و تراکم سرمایه و حدود ایجاد فرصتهای شغلی و الگوهای سرمایه گذاری را بیان و یا نشان می دهد از

اهمیت برخوردار است.

تشکیل سرمایه ثابت عبارت است از کل ارزش کالاها و سرمایه های جدید که در یک دوره حسابداری به موجودی کالاها و سرمایه های افزوده می شود و به عبارت دیگر سرمایه گذاری قدرت تولیدی یک کشور را تشکیل داده و سرمایه گذاری در زمان حال به معنای توسعه این توان در زمان آینده است. بنابراین کاهش و یا حتی ثابت بودن، ما بین یک دوره حسابداری به دلیل جریان استهلاک و عدم سرمایه گذاری جدید به معنای تاثیر نداشتن بر رشد زمان آینده تولید است.

این موضوع نه فقط سقوط تولید ملی را در دوره زمانی مورد نظر توضیح می دهد بلکه گویای آن است که تولید بالقوه نیز هر

روز کمتر می شود و نسلهای آینده باید انتظار کاهش بیشتری را در مقطع زندگی خود داشته باشند و این در صورتی است که عامل جمعیت را نادیده بگیریم.

رشد تولید ملی در هر جامعه تابعی از مقدار انباشت سرمایه است و با آن رابطه مستقیم دارد و انباشت سرمایه تابعی از میزان سرمایه گذاری سالانه و مقدار نرخ شد آن است.<sup>۳</sup>

به منظور نشان دادن وضعیت روند کاهش شدید میزان سرمایه گذاری کشور مابین سالهای ۱۳۵۳ - ۱۳۶۶، جدولهای ارائه شده قبلی به لحاظ اهمیت بر مبنای قیمت های سال پایه یعنی سال ۱۳۵۳ ارائه می شود. (جدول شماره ۵)

در جدولهای شماره ۴ و ۵ دو شاخص

مهم سرمایه گذاری ثابت یعنی سرمایه گذاری ثابت ناخالص داخلی و سرمایه گذاری ثابت خالص داخلی نشان داده شده که ارتباط آنها طبق معادله روبروست:

$$\text{خالص داخلی استهلاک} - \text{ثابت ناخالص داخلی} = \text{تشکیل سرمایه ثابت خالص داخلی}$$

جدول شماره ۶ - سهم دولت و بخش خصوصی در تشکیل سرمایه ثابت

ردیف	سال	سهم دولت در سرمایه گذاری در ماشین آلات (میانگین دوره)		سهم بخش خصوصی در سرمایه گذاری در ماشین آلات (میانگین دوره)		سهم دولت در تشکیل سرمایه ثابت (میانگین دوره)		سهم بخش خصوصی در تشکیل سرمایه ثابت (میانگین دوره)	
		درصد	میلیارد ریال	درصد	میلیارد ریال	درصد	میلیارد ریال	درصد	میلیارد ریال
۱	۱۳۵۳-۱۳۵۶	۴۳/۶	۱۵۳	۵۶/۴	۱۹۷/۷	۵۶/۶	۵۱۷/۸	۴۳/۴	۳۹۷/۳
۲	۱۳۵۸-۱۳۶۱	۶۹/۲	۱۱۵/۵	۳۰/۸	۵۱/۴	۵۶/۱	۳۲۴	۴۳/۹	۲۵۳/۷
۳	۱۳۶۲-۱۳۶۵	۴۶/۹	۱۳۷	۵۲/۱	۱۴۸/۹	۵۴/۱	۳۶۹/۶	۴۵/۹	۳۱۳/۷

همین طور میزان درصد سرمایه گذاری دولت و بخش خصوصی در سالهای مختلف به تفکیک میزان سرمایه گذاری در ماشین آلات و ساختمان نشان داده شده است.

چنانچه از جدول شماره ۵ استنباط می شود رفتار سرمایه گذاری در کشور در دوره مورد مطالعه ۱۳۵۳-۱۳۶۶ نوسانهای چشمگیری را نشان می دهد، حداکثر میزان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی در این دوره زمانی برابر ۱۱۸۲/۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۵ و حداقل آن در سال ۱۳۶۶ به میزان ۴۴۴/۸ میلیارد ریال است که کمتر از ۳۸ درصد مقداری تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی در سال ۱۳۵۵ می باشد و در صورتی که نرخ استهلاک را از این مقدار کسر کنیم میزان تشکیل سرمایه ثابت خالص داخلی در سال ۱۳۶۶ معادل ۱۸ درصد سال ۱۳۵۵ می شود.

توجه شود که ساختار اقتصادی کشور در سال ۱۳۶۷ به کلی با ساختار آن در سال

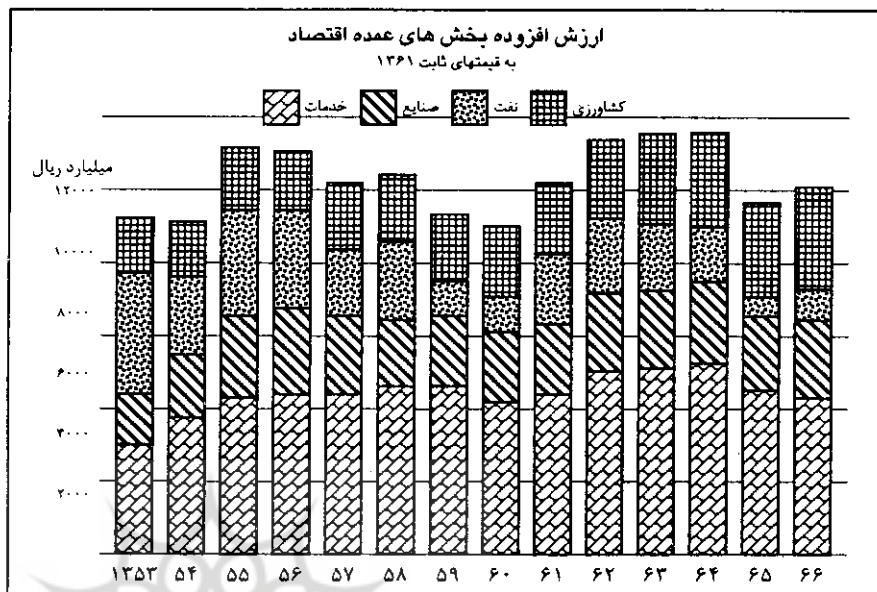
در تشکیل سرمایه ناخالص داخلی و همچنین سرمایه گذاری دولت و بخش خصوصی در زمینه ماشین آلات در سه دوره ۴ ساله نشان داده شده است.

میانگین سهم دولت در هر دوره چهار ساله بیش از ۵۰ درصد کل سرمایه گذاری بوده است و افزایش سهم بخش خصوصی در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی از ۴۳/۴ درصد به ۴۵/۹ درصد در دوره سوم، به معنای افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی نیست بلکه به دلیل کاهش مقداری سرمایه گذاری بخش دولتی بوده است. یعنی میزان کل سرمایه گذاری ثابت ناخالص داخلی کاهش یافته است و در مقابل سهم دولت در سرمایه گذاری ماشین آلات در دوره ۵۳ تا ۵۶ افزایش چشمگیری داشته و در دوره ۵۸ تا ۶۱ افزایش و از سال ۶۲ الی ۶۵ کاهش یافته است.

میزان تشکیل سرمایه ناخالص داخلی در سال ۱۳۵۳ برابر با ۱۷/۲ درصد

۱۳۵۳ متفاوت است. تکنولوژی وارداتی از یک سو و سیاست جانشین کردن واردات و دلار ارزان برای واردات تجهیزات سرمایه ای در گذشته از سوی دیگر به طور عام هرگونه فعالیت تولیدی یا خدماتی را در سال ۱۳۶۷ بیشتر از سال ۱۳۵۳ سرمایه بر ساخته است، که این خود هر ساله سرمایه گذاری جدیدی را فقط به دلیل استهلاک طلب می کند. این بدان معناست که اگر سرمایه گذاری ناخالص داخلی در سال ۱۳۶۷ از لحاظ کمی معادل سرمایه گذاری ناخالص داخلی در ۱۳۵۳ فرض شود همان تاثیر را بر رشد آینده تولید ندارد و این به مفهوم وخیمتر شدن تولید در آینده است. این موضوع از یک طرف سقوط تولید ملی را توضیح می دهد و از طرف دیگر بیان کننده این است که تولید بالفعل جامعه از تولید بالقوه فاصله گرفته است و تولید بالقوه نیز روز به روز کمتر می شود.

با توجه به جدول شماره ۶ و نمودار شماره ۱، سهم دولت و بخش خصوصی



اقتصادی را فراهم آورند. و از طرف دیگر سبب گسترش بوروکراسی دولتی و حجم زیاد هزینه های جاری دولت و کاهش شدید راندمان اقتصادی گردید.

به طور نمونه اگر سالهای ۱۳۴۷ و ۱۳۶۷ را به عنوان دو نقطه از طیف مورد مطالعه قرار دهیم می بینیم که در سال ۱۳۴۷ مجموع درآمدهای ارزی کشور ۱۵۵۰ میلیون دلار (شامل ۹۵۸/۵ میلیون دلار صادرات نفت + ۲۰۸/۱ میلیون دلار صادرات غیر نفتی + ۳۸۴/۱ میلیون دلار اعتبار) بوده است. این رقم دریافتی ارزی سرانه معادل ۵۷ دلار را به دست می دهد. در مقابل اگر مجموع دریافتی های ارزی سال ۶۷ را حدود ۸ میلیارد دلار (احتمالاً بدون هزینه های جنگ تحمیلی) فرض کنیم دریافتی سرانه ای معادل ۱۴۸ دلار را به دست می دهد. به نظر نمی رسد که حتی پس از تعدیلهای لازم برای تورم وارداتی و نرخ موثر تعدیل دلار، چندان هم کمتر از ۵۷ دلار باشد. با وجود آن که، حتی پس از احتساب تمام خرابیهای ناشی از جنگ تحمیلی، حجم سرمایه و تکنولوژی که نیروی کار کشور بدان مجهز است بسیار بیشتر از سال ۱۳۴۷ است، باز هم تولید سرانه کشور حتی به سطح سال ۱۳۴۷ نمی رسد.

این امر گویای از دست رفتن کارایی و نارسایی نظام اقتصادی در استفاده از نهادهای موجود تولید در کشور است. دلیل پدیده خود بازدارنده رشد اقتصادی کشور چیست؟ و چرا جامعه نمی تواند امکانات بالقوه خود یعنی پس انداز را صرف انباشت سرمایه فیزیکی در داخل کشور کند.

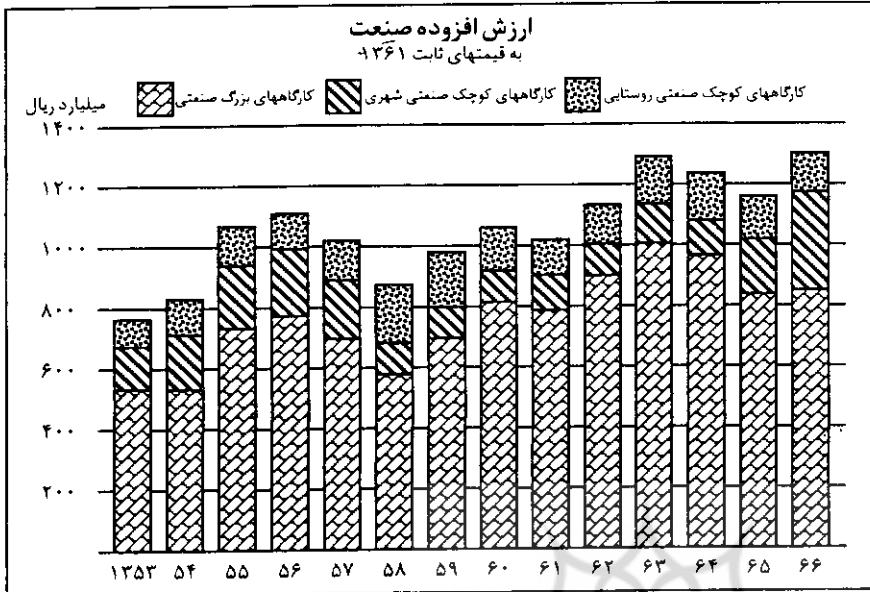
با توجه به شرایط ویژه کشور در دوران انقلاب و جنگ تحمیلی در دهه گذشته سیمای اقتصادی کشور حالت دستوری به

دولت به دقت ترسیم نشده بود اما همانند برنامه های ارشادی در کشورهای اروپایی و ژاپن حرکت بخش دولتی با پذیرش سیادت اقتصاد آزاد و یا مکانیزم بازار صورت می گرفت. بعدها نقش عمده در این زمینه به سرمایه وارداتی بزرگ و گهگاه وابسته به شرکتهای چند ملیتی سپرده شد.

شرایط حاکم پس از انقلاب مسائل بینشی این خطوط را درهم ریخت. اما از طرف دیگر برنامه مشخصی نیز در این زمینه تدوین نشد. ابداع واژه های دولتی و غیر دولتی و اعتقاد به اینکه سهم عمده ای از مقدار سرمایه گذاری ها را بخش دولت، تعاونی، صنایع ملی و خصوصی عهده دار خواهد شد مشکلی را حل نکرد. به طوری که صنایع ملی شده و بخش تعاونی از لحاظ ساختاری جزئی از بخش دولتی شمرده می شوند که در کشورهای نظیر شوروی سابق، لهستان، مجارستان، یوگسلاوی و الجزایر و سوریه نتوانسته است وسایل رشد

محصول ناخالص ملی است. این نسبت با افزایش شدید محصول ناخالص ملی تا سال ۱۳۵۵ رو به افزایش داشته است و در سال ۱۳۵۵ بالغ بر ۳۱/۴ درصد می شود در حالیکه در سالهای بعد این روند معکوس می گردد و در سال ۱۳۵۸ به مقدار ۱۸/۴ درصد می رسد و در سالهای بعدی رو به کاهش گذاشته و به ۱۴/۷ درصد در سال آخر مورد مطالعه می رسد.

در پنج سال توسعه قبل از انقلاب این توجیه به طور ضمنی پذیرفته شده بود که فعالیت سرمایه گذاری در پاره ای از بخشها در قلمرو بخش خصوصی و در پاره ای دیگر که عمدتاً سرمایه گذاریهای زیربنایی و صنایع مادر را در بر می گیرد در قلمرو عمل دولت است. با افزایش ناگهانی درآمدهای نفتی در سال ۱۳۵۳ سهم دولت در کل سرمایه گذاری ها افزایش یافت اما برنامه پنجم بر این اساس ترسیم شده بود که این سهم در مراحل بعدی توسعه، روند معکوس به خود گیرد. با اینکه در این برنامه ها نیز روابط بازار و نهادهای اقتصادی

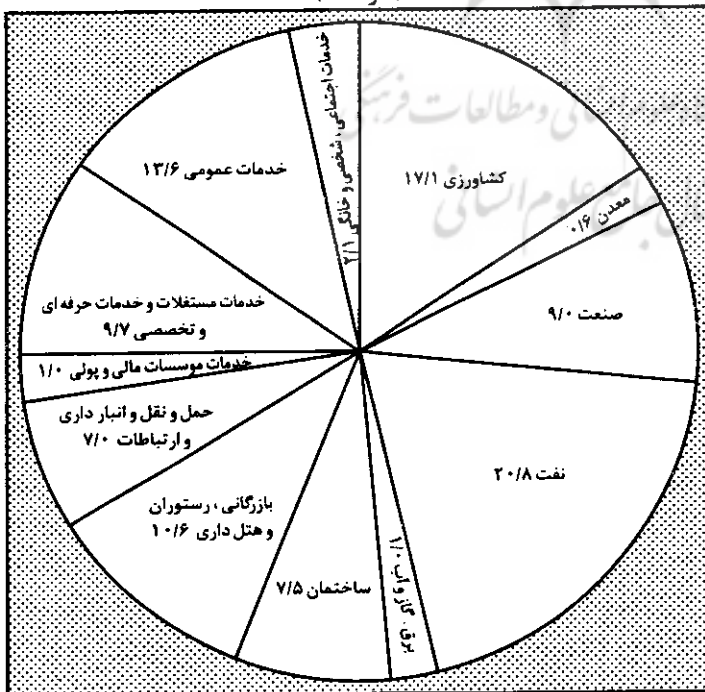


خود می‌گیرد. دولت و نظام اداری خود تخصیص منابع جامعه را به طور مستقیم به عهده گرفته است و وارد فعالیتهای تولیدی و صنعتی می‌گردد. قیمت‌ها دستوری و یا اداری بنا به توجیحات توزیع درآمد تعیین می‌شود که نه مناسبتی با هزینه‌های اجتماعی تولید دارند و نه از انعطاف‌پذیری جهت تخصیص بهینه منابع جامعه برخوردارند.

مدیران بنگاه‌های دولتی در چارچوب انعطاف‌ناپذیری قرار می‌گیرند و در پی آن هدف‌های کمی تولید غالباً کیفیت یا کارایی و نوآوری را کاهش می‌دهند. مواد اولیه و دیگر عوامل تولید بویژه مواد اولیه وارداتی به روش اداری توزیع و عرضه می‌شود. همه این عناصر از جمله ویژگی‌های یک اقتصاد برنامه ریزی شده متمرکز است.

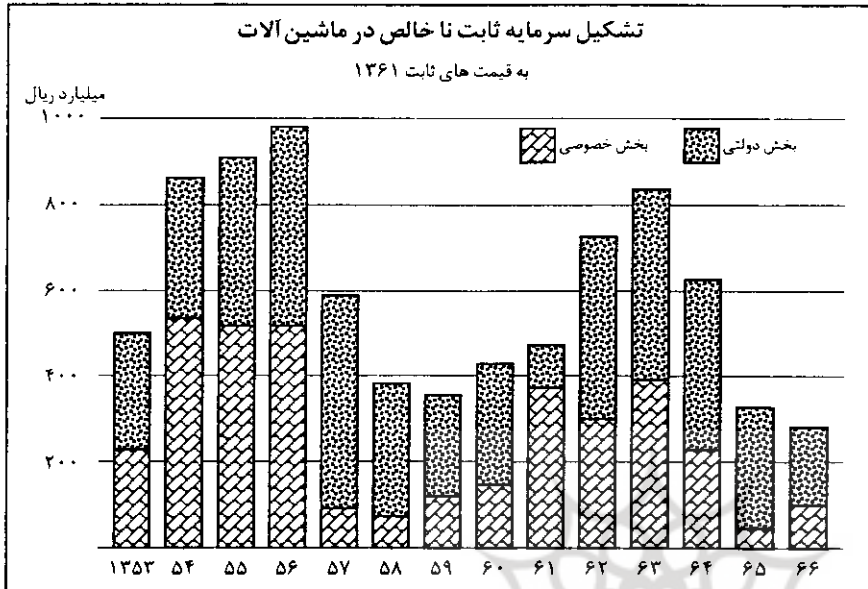
نمودار شماره ۳

متوسط سهم هریک از گروه‌های اقتصادی در تولید ناخالص داخلی طی دوره ۱۳۵۳ - ۶۶ (در صد)



با توجه به مطالب بالا بنگاه‌های اقتصادی دولتی و توسعه دولتی شدن بنگاه‌ها عموماً اهدافی غیر از هدف‌های سوددهی، استفاده بهینه از امکانات و بهره برداری از حداکثر راندمانهای واحدها را در بر می‌گیرد. این هدف‌ها در بنگاه‌های دولتی به رغم ادعای مسئولان آنها در عمل به هدف‌های غیرانتفاعی از قبیل هدف‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تبدیل می‌شود و در موارد بسیاری این بنگاه‌ها در خدمت کاهش عدم تعادل در اقتصاد کشور، از قبیل جذب نیروی کار مازاد جامعه، قرار می‌گیرند که خود به گسترش عدم تعادل در بنگاه اقتصادی و سرانجام در مقطع زمانی بعدی در اقتصاد کلان جامعه منجر خواهد شد. در نتیجه واحدهای تولیدی دولتی ابزاری برای اجرای سیاست‌های دولت می‌شوند و استفاده بهینه از منابع و سودآوری بیشتر آنها در نظر قرار نمی‌گیرد. و طبعاً در چنین شرایطی یکی از هدف‌های خصوصی سازی این است که کارایی





واحدهای تولیدی افزایش یابد.

با این حال باید پذیرفت که در کشورهای جهان سوم از جمله کشور ما که مالکیت عمده‌ای از منابع تولید جامعه در اختیار دولت است نه می‌توان تخصیص منابع جامعه را یکسره به مکانیزم بازار سپرد و نه آنکه می‌توان آن را به القای برنامه‌گذار بوروکراسی دولتی وا گذاشت.

از طرف دیگر رهاسازی، حتی در بازار نیز خود فرایندی تدریجی است و از این رو تحرک سرمایه از کشور خود محتاج مجموعه‌ای از سیاستهایی است که تحول ساختاری را در بسیاری از ارگانهای اقتصادی طلب می‌کند و در عین حال راهبرد فراگرد آزادسازی می‌باید با دقت ترسیم شود.

### حدود قانونی مالکیت صنعتی

بندهای ۸، ۹، ۱۲، ۱۳ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشعار می‌دارد:

بند ۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خویش.

بند ۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.

بند ۱۲- پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و بر طرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.

بند ۱۳- تامین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها.

همچنین بعضی از بندهای اصل چهارم و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌دارد:

بند ۲- تامین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

بند ۹- تاکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تامین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند. اصل چهارم و چهارم قانون اساسی اشعار می‌دارد:

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح

استوار است.

بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تامین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه آهن و مانند اینهاست که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.

بخش تعاونی شامل شرکتها و موسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی شکل می‌شود.

بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیتهای اقتصادی دولتی و تعاونی است.

مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه

زبان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی ایران است.

در اصل چهل و هفتم می خوانیم: مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است، ضوابط آن را قانون معین می کند.

بطوری که از مفاد بندها و اصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مستفاد می گردد می توان استنتاج نمود که:

۱- مالکیت شخصی مشروع آزاد است.  
۲- بخش خصوصی به رسمیت شناخته شده است.

۳- به استثنای مالکیت بخشهایی از کشور که قانون اساسی به عنوان بخش دولتی معین کرده است، فعالیت و مالکیت در سایر بخشها آزاد است و در صورت رعایت موازین محدود به حدودی نیست، بگونه ای که توزیع ثروت نه به تمرکز و تداول ثروت در دست گروههای خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد.

۴- از طرف دیگر بخش خصوصی مکمل سایر بخشهای اقتصادی شناخته شده است و مالکیت شخصی از راه مشروع محترم است.

۵- افزایش تولیدات کشاورزی دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تامین می کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

علی رغم تصریح آزادی مالکیت در قانون اساسی بنا به شرایط و ضرورتهای انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران با هدفهای زیر از تصویب شورای انقلاب گذشت:

الف: رعایت نظام اسلامی در مورد حقوق کار.

ب: خروج اقتصاد ایران از وابستگی به

نفت و احراز استقلال از طریق تولید نیازهای داخلی تا حد خودکفایی و توسعه صادرات.

ج: گسترش زمینه کار و اشتغال و تخصص.

د: قطع ید از عمال نظام استبدادی و استثمارگران.

ه: احتراز از دولت سالاری و تشویق و حمایت از فعالیتهای غیر دولتی و ابتکار در بخش خصوصی.

این قانون در دو ماده تصویب و به شرح زیر اعلام گردید:

ماده ۱ - صنایع موجود بر حسب شرایط به چهار دسته تقسیم گردید که عبارت بودند از:

الف: علاوه بر نفت، گاز، راه آهن، برق و شیلات که قبلاً ملی شده بودند صنایع تولید فلزاتی که در صنعت مصرف عمده دارند مانند فولاد، مس، آلومینیم شامل مرحله نورد گرم و همچنین ساخت و مونتاژ کشتی و هواپیما و اتومبیل ملی شدند.

ب: صنایع و معادن بزرگی که صاحبان آنها از طریق روابط غیر قانونی با رژیم گذشته، استفاده نا مشروع از امکانات و تضییع حقوق عمومی به ثروتهای کلان دست یافته اند و برخی از آنها از کشور متواری هستند ... به تملک دولت در می آید.

ج: کارخانجات و موسساتی که وامهای قابل توجه برای احداث و توسعه از بانکها دریافت داشته اند:

- در صورتی که کل بدهی آنها از دارایی خالص آنان بالاتر باشد متعلق به دولت است.

- در صورتی که دارایی این واحدها بیشتر از مطالبات بانکها و مردم باشد دولت به سمت مالک با آنها و نسبت به مطالبات خود و مردم در مالکیت آن واحدها سهیم

می شود.

د: کارخانجات و موسسات تولیدی که متعلق به بخش خصوصی بوده و وضع مالی و اقتصادی مساعدی دارند و مشمول بند ب ماده ۱ نباشند براساس قبول اصل مالکیت مشروع مشروط، مالکیت آنها از طرف دولت به رسمیت شناخته می شود و مورد حمایت قانونی قرار می گیرند.

به این ترتیب تعداد بسیاری از کارخانجات و موسسات به تملک دولت درآمد و در اجرای بند (ب) قانون پیشگفته اسامی ۵۳ نفر که بعدها به تعداد بیشتری افزایش یافت به عنوان مشمولان بند (ب) قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران منتشر گردید.<sup>۴</sup>

اضافه می نماید که در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۲۶ و قبل از تصویب قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران، قانون تعیین مدیر یا مدیران موقت دولتی بر واحدها با هدفها و مضامین کلی زیر از تصویب شورای انقلاب گذشت:

ماده ۱- در مورد واحدهای تولیدی و صنعتی و تجاری و کشاورزی و خدماتی اعم از بخش عمومی و خصوصی منجمله شرکتها و موسسات صنعتی، معدنی، کشاورزی، پیمانکاری، مهندسی مشاور، موسسات و شرکتهای ساختمانی و تاسیساتی، مجتمعهای مسکونی، موسسات حمل و نقل، موسسات تخلیه و بارگیری در بنادر که مدیران و صاحبان آنها واحدهای مزبور یا کارگاه خود را رها کرده و یا کار را متوقف نموده یا به هر علت دسترسی به آنها میسر نیست و نیز بنا به تقاضای صاحبان یا مدیران واحدهای مذکور هر یک از وزارتخانهها، موسسات و یا شرکتهای دولتی که به نحوی با واحد مزبور طرف معامله و یا در ارتباط باشند و یا موضوع فعالیت واحد مربوط به آن

وزارتخانه، موسسه و یا شرکت دولتی باشد می تواند به منظور جلوگیری از تعطیلی واحدهای نامبرده با اطلاع وزارت کار و امور اجتماعی یک یا چند نفر را به سمت مدیر یا هیئت مدیره و یا اعضای ناظر جهت اداره، نظارت بر اداره امور واحدهای مزبور تعیین نمایند.<sup>۵</sup> و با این ترتیب صدها واحد صنعتی، کشاورزی، تجاری و خدماتی به تصدی و یا تملک دولت درآمد. و هر یک از این صنایع و موسسات با توجه به آنکه در چه زمینه‌ای فعالیت می نمایند به یکی از وزارتخانه‌ها و موسسات و شرکتهای دولتی واگذار می شدند. اضافه می نماید که علاوه بر موسسات مزبور در اجرای احکام حکومتی تعداد بی شماری موسسات و شرکتها به نهادهای انقلاب اسلامی از جمله بنیاد مستضعفان و جانبازان منتقل گردید.

در اجرای قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران و آئین نامه‌های اجرایی آن اساسنامه سازمان صنایع ملی ایران در تاریخ ۱۳۵۸/۹/۱۷ از تصویب شورای انقلاب گذشت.

قسمتی از هدفهای این سازمان بر طبق ماده ۳ اساسنامه آن به شرح زیر است:

اجرای هدفهای قانون و آئین نامه اجرایی قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران دایر بر مدیریت و مساعی لازم در جهت پیشرفت و خودکفایی بهره‌دهی موسسات مشمول، که شامل وظایف خاص زیر خواهد بود:

- ۱- در اختیار گرفتن سهام و سرمایه موسسات مشمول قانون و تعیین نمایندگان تام‌الاختیار در مراجع قانونی این گونه موسسات برای کلیه سهام دولتی.
- ۲- مشارکت در مدیریت موسسات مشمول قانون و یا تعیین ناظران فنی و مالی بر حسب مورد برای اداره کردن صحیح این موسسات در جهت اهداف انقلاب

اسلامی و پیشرفت صنایع ایران.

۳- همکاری با مدیریت موسسات مشمول و کمک در رفع مشکلات و خودکفایی آنها.

۴- کنترل و نظارت مداوم بر امور مدیریت و نظام مالی موسسات مشمول از طریق بازرسی و حسابرسیهای لازم.

۵- تهیه خط مشی‌های لازم به منظور اصلاح، ادغام، توسعه و ایجاد و یا انحلال موسسات مشمول در چارچوب سیاستهای اقتصادی و توسعه صنعتی و معدنی کشور.

۶- تنظیم برنامه‌های بلند مدت برای موسسات مشمول در هر گروه از صنایع به منظور توسعه و تقویت آنها و کاهش وابستگی آنها به واردات و تغییر ماهیت آنها از حالت صنایع مونتاژ به صنایع ملی.

۷- تنظیم برنامه‌های آموزشی برای تقویت مدیران موجود و تربیت مدیران جدید.

از زمان تصویب قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران و تأسیس سازمان صنایع ملی ایران تعداد بی شماری موسسات، مشمول قانون و آئین نامه‌های اجرایی آن شدند و به سازمان صنایع ملی ایران و یا بر حسب مورد به سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانکها، سازمان برنامه و بودجه، وزارتخانه‌های صنعتی و همچنین سایر وزارتخانه‌ها و ارگانها واگذار گردیدند.

- ۱- ج - باری پر، اقتصاد ایران، موسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی ایران - سال ۱۳۶۳.
- ۲- همان منبع
- ۳- داریوش ایران‌بندی - نگاهی به روند سرمایه‌گذاری در دوره سالهای ۵۳ تا ۶۷ - نشریه گمرک ایران شماره ۵ و ۶ سال ۱۳۷۱.
- ۴- قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران مصوب ۱۳۵۸/۴/۱۰ شورای انقلاب اسلامی ایران.
- ۵- قانون تعیین مدیر یا مدیران موقت دولتی بر واحدها مصوب ۱۳۵۸/۳/۲۶ شورای انقلاب اسلامی ایران.

هرگز فراموش نمی‌کنیم شما حق انتخاب دارید

**G.H.M.S.I**

کیفیت بالا در بازرسی کالا

**I.T.S**

عضوی از گروه بین‌المللی بازرسی

در بیش از ۱۰۰ کشور جهان با مجوز بانک مرکزی واردات ایران را بازدید می‌کنند

تلفن: ۸۸۲۱۷۷-۸، فکس: ۸۸۲۶۵۸، تلکسی: ۲۱۶۲۲۷

ایران بازرسی  
IRAN BAZID

با حضور در تهران، هارک، پدرا عباس، پدرا امام حسین، پدرا ماهشهر، پدرا شهر، تیریز، مشهد، اصفهان، چابهار

از این پس داروکنندگان می‌توانند نام I.T.S (شرکت مالک G.H.M.S.I) را نیز مستقیماً اعتبار اسنادی خود بکنند.